

نقش ادبیات در جامعه انسانی

{پژوهش - زیمیرو اسکاری}

(بخش هشتم)

خانواده های زبانی و تاریخ زبان ها



در سال ۲۰۰۰، برابر محاسبه ی زبانشناسان، بیش از شش هزار زبان در سراسر جهان استفاده می شده است که بیشتر آنها را ده هزار نفر یا کمتر بکار می برده اند. این تعداد تا سال ۲۱۰۰ یعنی در گذر تنها یک قرن نصف خواهد شد. ”یعنی هر دوازده روز = مرگ یک زبان“. بسیاری از فرهنگ های بومی و ملی نیز همراه با این زبان ها به موزه ی تاریخ سپرده خواهد شد. زبان هایی که تعداد سخنگویان بدانها بسیار است (مانند زبان فارسی) دیرتر فراموش خواهند شد. بسیاری معتقدند که زبان هایی باقی خواهد ماند که خاستگاه آنها مهد فن آوری یا اقتصاد باشد بیشتر بر این باورند که زبانی که مردم آن بدان عشق ورزند نیز هرگز نخواهد مرد. برای دسته بندی زبان ها از دیدگاه زبان شناسی، دو شیوه مرسوم است:

شیوه ی وابسته به گونه شناسی (Typology) در این شیوه، زبان ها بر پایه ساختار شان دسته بندی می شوند. در این روش، برای نمونه، زبان انگلیسی و زبان چینی که هر دو از واژه پردازی ”فاعل- فعل- مفعول“ پیروی می کنند، در یک گروه قرار می گیرند. شیوه ی زادگانی (Genetic): در این شیوه، زبان ها بر پایه ی روند شکل گیری و بر مبنای تاریخی دسته بندی می شوند. این روش، بسیار پیچیده تر و علمی تر از شیوه ی وابسته به گونه شناسی است. در شیوه ی زادگانی، گروهی از دانش ها همچون باستان شناسی، مردم شناسی، تاریخ، و... توسط زبانشناسان بخدمت گرفته می شود. خانواده های زبان ها نیز با استفاده از همین شیوه دسته بندی شده اند. با تیک زدن بر روی هر یک از گزینه های زیر می توانید مطلب های مفصل و مفیدی درباره ی خانواده های وابسته به هر یک از این دو قاره را بخوانید:

خانواده های زبان های آسیایی

خانواده های زبان های آفریقایی.

خانواده های زبان های آسیایی



آسیا خاستگاه مهمترین خانواده های زبانی جهان است. امروزه اکثریت مطلق مردم جهان به یکی از زبان های خانواده های هند و اروپایی ، سامی ، استرالیایی- آسیایی ، استرانزی، و آلتای سخن می گویند؛ خانواده هایی که همگی ریشه آسیایی دارند. این نظریه که ”بشر ریشه ی آفریقایی دارد“ شاید درست باشد، اما بدیهی است که زبان های آسیایی، دقیقا در آسیا تکامل یافته اند:

۲/۵ میلیون سال پیش، نیاکان بشر (و نه انسان امروزی) از نظر فیزیکی و رشد مغزی به درجه ای رسید که بتواند طراحی کند و بسازد. البته، در عمل، این اتفاق بسیار دیر رخ داد؛ تنها ۳۵۰ هزار سال پیش بود که بشر برای نخستین بار شکارهای از پیش طراحی شده را پایه گذاشت، آتش افروخت، و لباس پوشید. همچنین کهن ترین آثار هنری و دینی بشر (در قالب نقش ها و اشیای مذهبی) بین ۳۰ تا ۴۰ هزار سال قدمت دارند. از دید یک انسان شناس ، زبان ساده ی بشر نباید قدمتی بیش از ۳۵۰ هزار سال داشته باشد و این زبان احتمالا از حدود ۴۰-۳۰ هزار سال پیش شکل های پیچیده تری به خود گرفته است. آواهای معنادار برای ارتباط میان انسان هایی که دو میلیون سال پیش می زیسته اند کافی بوده است.

فسیل مرد پکنی که در نزدیکی پکن پیدا شده و نیز فسیل مرد جاوه ای که در اندونزیا کشف شده است، ۵۰۰ هزار سال قدمت دارد. هر دوی این مردان، پدران انسان امروزی، یعنی *Homo erectus* هستند. نشانه هایی وجود دارد که اینگونه انسان ها یک میلیون سال پیش پا به قاره ی آسیا گذاشته بودند.

نخستین تمدن های آسیایی، در جنوب باختری آسیا (میان رودگان)، شمال هندوستان، و شمال چین پدیدار شد. کشاورزی ویژگی مشترک هر سه تمدن بود. حمله های افراد بیابانگرد، دهقانان را به داخل شهرهایی با برج و باروی مستحکم راند. از حدود سه هزار سال پیش از میلاد که گاوآهن اختراع شد، گروهی از کارگران کشاورزی این امکان را یافتند تا به صنعت روی آورند و افزایش محصولات زراعتی و کار صنعتگران، رویهمرفته، زمینه را برای تجارت و ارتباط فرهنگی مهیا ساخت.

خانواده زبان های هند و اروپایی بزرگترین خانواده زبان های جهان از نظر تعداد کسانی که بدان سخن می گویند (۱/۶ میلیارد نفر) می باشد. محدوده جغرافیایی این خانواده، از آسیای جنوبی گرفته تا کل قاره های اروپا و آمریکا را دربر می گیرد.

۶۰۰۰ سال پیش، مردمی که به زبان هند و اروپایی اصیل سخن می گفتند، در منطقه قفقاز جنوبی «ارمنستان، گرجستان، آذربایجان) می زیستند. این قوم به تدریج، شاید به دلیل کمبود منابع زیستی و شاید هم بخاطر حمله قوم های همسایه، ناچار به مهاجرت از زیستگاه خود شدند. این مردم، خود را آریایی (یعنی شریف ، خوشنام و شکوهمند) می خواندند و ظاهرا باید این لقب را برازنده آنان دانست! چراکه به هرکجا مهاجرت می کردند، فرهنگ و زبانشان بر آن سرزمین مسلط می شد؛ بدیهی است که گویش هر گروه مهاجر از قوم آریایی، زیر تاثیر زبان و حتی فرهنگ سرزمین میزبان تغییراتی می یافت.

علت تاثیر فرهنگ بر زبان، آن است که زبان در گهواره فرهنگ یک ملت پرورش می یابد. درست به همین دلیل است که مثلا در زبان عربی ، برای واژه پارسی شتر، واژه الجُمْل را داریم که معمولا به شتر نر گفته می شود والناقه که به شتر ماده می گویند؛ همینطور واژه الفَصیل برای شتربچه (بویژه هنگامی که از مادر گرفته شده)، واژه البُعیر برای شتر ۹ ساله، و... آشکار است که محیط زندگی افراد، تاثیری شگرف بر فرهنگ ایشان دارد.

خانواده ی زبان های استرانی



خانواده ی آسترانی بیش از ۷۰۰ زبان را دربر میگیرد که از این نظر، پس از خانواده ی نیجر-کنگو ، دومین خانواده ی پرتعداد دنیا است. زبان های آسترانی که در گذشته بدان مالی - پلی نزیایی گفته می شد، منطقه ای گسترده، از ماداگاسکار و جزیره ایستر گرفته تا هاوایی را زیر پوشش خود دارد. در این گستره، البته استرالیا و گینه نو استثناء هستند. چنانکه می دانید استرالیایی ها به زبان انگلیسی و گینه ای ها به زبان فرانسوی سخن می گویند. زبان های فورموسان در این خانواده، زبان های غیر چینی تایوان را تشکیل می دهند. زبان های Javanese, Sundanese, Madurese همگی در جاوه، باتاک در سوماترا ، بالی در جزیره ی بالی ، تتون در تیمور، و Visayan, Ilocano , Tagalog در فیلیپین بکار می رود. زبان چام تا قرن هفدهم زبان رسمی کشور پادشاهی چامبا بود. زمانیکه در قرن یادشده، ویتنامی ها آن سرزمین را تسخیر کردند و نام آنرا ویتنام گذاشتند، بسیاری از چام زبانان به سوی کامبوج گریختند. کسانی که امروزه در ویتنام به زبان چامی سخن می گویند بیشتر مسلمان هستند. در کل، ۲۳۰ هزار نفر زبان چامی را بکار می برند. زبان مائوری در زلاندنو؛ فیجی، تاهیتی، و راپانویی در جزیره ی ایستر؛ و زبان هاوایی در جزیره ی هاوایی استفاده می شود. زبان مالاگاسی، زبان مردم

ماداگاسکار است. این جزیره بزرگ در کنار کرانه های جنوبی آفریقا قرار دارد. ۱۵۰۰ سال پیش، ساکنان جزایر پیرامون مالزی با قایق، اقیانوس هند را درنوردیدند و خود را به این جزیره ی آفریقایی رساندند. فرهنگ مردم ماداگاسکار، کاملا آفریقایی است، اما زبان خود را هنوز حفظ کرده اند. برای نوشتن زبان مالای، از قرن بیستم، خط لاتین جایگزین خط عربی شد. در زیر، نمونه ای از خط جاوایی (متعلق به جزیره ی جاوه) را مشاهده می کنید.



زبان های خانواده ی آسترانزی از وندها (پیشوند، میانوند، و پسوند) برای تغییر معنا و نقش فعل در جمله استفاده می کنند. ریشه ی واژگان، معمولا دوسیلابی است. و از دوگانسازی (reduplication) برای جمع بستن واژگان استفاده می شود. برای نمونه، در زبان مالای (مالزیایی) بچه را anak و بچه ها را anak anak می خوانند؛ یا خانه را rumah و خانه ها را rumah rumah می گویند. در برخی زبان ها، مانند زبان جاوه ای، سخن خودمانی و غیر رسمی با سخن رسمی و مودبانه بسیار تفاوت دارد؛ افراد در گفتگو با رئیس خود باید از گویش رسمی استفاده کنند. در این زبان، گویش ماهیگیران و معدن چیان آنقدر با گویش های معمولی فرق دارد که فرد عادی ممکن است بسیاری از اصطلاحات این افراد را متوجه نشود. در زبان بالی، برای بسیاری از واژگان، سه گونه از نظر ”رسمی بودن“ وجود دارد. برای نمونه، واژه ی خوردن در پایین ترین درجه از نظر رسمی بودن ”naar“، در درجه ای بالاتر ”neda“ و در بالاترین درجه ی رسمی اش ”ngadjengang“ خوانده می شود. در زبان چامی، گویش مردان با زنان فرق می کند! در بعضی از زبان های اقیانوس آرام (زلاندنو، ایستر، هاوایی)، ضمیر ملکی برای اشیاء منقول و اشیاء غیر منقول فرق می کند. در زبان ایلوکانو، سه واژه برای ضمیر ”این“ وجود دارد: یکی برای چیزهایی که در معرض دید هستند، دیگری برای چیزهایی که در معرض دید نیستند، و یکی هم برای چیزهایی که دیگر وجود ندارند. بعضی از زبان های این خانواده، دو نوع ضمیر شخصی دارند:

یک نوع ”ما“ که شنونده را نیز شامل می شود و آنرا Inclusive می خوانند و یک نوع دیگر ”ما“ که مخاطب را شامل نمی شود و آنرا Exclusive می گویند. یکی از ویژگی های زبان های اقیانوس آرام، داشتن آواهای کم است. زبان هاوایی تنها هشت همخوان (/h/, /k/, /l/, /m/, /n/, /p/, /w/ , /glottal stop/) دارد. برای درک بهتر آوای گلوताल استاپ به بخش آواشناسی مراجعه کنید. در اینجا به همین نکته بسنده می کنم که صدای ”همزه“ در عربی گلوताल استاپ است. در زبان هاوایی، پنج واکه نیز وجود دارد: /u/, /a/, /e/, /i/, /o/. در این زبان ها هجاهای باز، یعنی هجاهایی که با یک ”واکه“ ختم شوند، بسیار دیده می شود. برای نمونه می توان به نام سرزمین هایی چون فی جی ، تا هی تی ، و... اشاره کرد. یکی از ویژگی های جالب دستوری در بیشتر زبان های آسترانزی این است که در این زبان ها، کنشگر(عامل) ”غیر از فاعل“ و مالک ، هر دو، با یک علامت نشانه گذاری می شوند. (برای نمونه این نشانه در زبان تاگالوگ ni است) در نتیجه میان ”بوسیله ی سگ گاز گرفته شد“ و ”گاز سگ (از

چیزی)“ از نظر ساختاری تفاوتی وجود ندارد. ساختار جمله در تاگالوگ و مائوری ”فعل- فاعل- مفعول“ است. این ساختار در زبانِ مالاگاسی ”فعل- مفعول- فاعل“ می باشد. برخی زبانشناسان بر این باورند که مردم خانواده ی آسترانزی در اصل در دره ی رود زرد در چین ساکن بودند و ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد، از طریق تایوان به فیلیپین، و سپس ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد، عده ای به اندونزی و عده ای دیگر به اقیانوس آرام مهاجرت کردند.

زبان های استرالیایی - آسیایی



زبان های خانواده ی استرالیایی- آسیایی، بین سه تا چهار هزار سال پیش شروع به جدا شدن از یکدیگر نمودند. این خانواده به سه زیرخانواده تقسیم می شود:

موندا (Munda): که میلیون ها نفر در خاور هندوستان بدان سخن می گویند.
 نیکوباری (Nicobarese): که چند هزار نفر در جزایر نیکوبار بدان سخن میگویند. من خمر (Mon-khmer): که دوازده شاخه و صد گویش دارد و ۳۵ تا ۴۰ میلیون نفر بدان ها سخن می گویند.
 خمر ، زبان ملی کامبوج است. من (mon) زبانی بسیار شبیه به زبان خمر است و در بخش هایی از میانمار و تایلند رواج دارد. برخی زبانشناسان ، شاخه ی ویتنامی- موانگ را نیز در زیرخانواده ی من- خمر قرار داده و برخی دیگر آنرا در یک زیرخانواده ی مستقل گذاشته اند؛ گروه اخیر، زبان نیکوباری را در زیرگروه زبان های من خمر جای می دهند.

در میان زیرخانواده های یادشده، زیرخانواده ی موندا از نظر ساختار واژه و جمله با دیگر زبان های استرالیایی- آسیایی فرق می کند. این زبان زیر تاثیر زبان چینی بوده است. زبان های من و خمر واژگان بسیاری از زبان های هندی ”سانسکریت“ و ”پالی“ وام گرفته اند. زبان ویتنامی از زبان چینی بسیار تاثیر گرفته است. ویتنامی، اکنون زبانی تک هجایی است و همچون دیگر زبان های گروه ”ویتنامی- موانگ“ سیستم نواختی و آهنگین پیچیده ای دارد. در زبان های من- خمر، پسوند دیده نمی شود، اما پیشوند و میانوند فراوان است. در جمله ها، گاه حروف یا وندهای پایانی می تواند نشانگر حالت و طرز برخورد گوینده باشد. همچنین، شناسان های (معرف های) ویژه ای که بیانگر (expressive) خوانده می شوند، رنگ، احساس، و... را مشخص می کنند. برخی زبان ها آواهای بی واکه بسته، همچون /ا،/، /اب،/ و /اگ/ ندارند! واژگان ممکن است با همخوان های کامی شده (Palatalized consonants) مثل ñ پایان یابند. از دیگر ویژگی های آوایی این زبان ها، تلفظ /ا،/ و /اب/ ی بندش دار (/b/ and /d/ imploded) است. این کار با مکیدن هوا به درون صورت می گیرد. (ایمپلود، در اصل، یعنی

از درون پکیدن یا ترکیدن) زبان های من و خمر با استفاده از الفبایی که برگرفته از خط هندی است نوشته می شود. زبان ویتنامی قرن ها با خطِ تغییریافته ی چینی نوشته می شد؛ از سال ۱۹۱۰، خطی اقتباس شد که الفبای آن لاتین است، اما نشانه هایی اضافی نیز دارد. این خط که در سال ۱۶۵۰ اختراع شده بود، نخستین سیستم نگارشی است که به نویسندگان می دهد تا نواخت ها و لهجه ها را نیز نشانه گذاری کند. بیشتر زبان های این خانواده از ساختار ”فاعل- فعل- مفعول“ پیروی می کنند. در حال حاضر، بیش از ۶۵ میلیون نفر به زبان های استرالیایی- آسیایی سخن می گویند. ضرب المثل ویتنامی: وقتی آقا خانه نباشد، جوجه ها می روند در دیگِ میگو!

زبان های آلتای



نام این خانواده، از کوه های آلتای که در مرز قزاقستان و مغولستان واقع شده گرفته شده است. مردم ساکن این منطقه، در گذشته های دور، جنگجو، اسب سوار، و دوره گرد بودند. بعدها گروهی از ایشان به خاور و گروهی دیگر به باختر مهاجرت می کنند. بدیهی است که در طول سفرهای طولانی و با تاثیر پذیری از زبان های محلی مناطق گوناگون، امروزه تفاوت بسیاری میان مثلا آلتای زبانان آذربایجان و آلتای زبانان مغولستان وجود دارد. خانواده ی زبان های آلتای را می توان به زیرخانواده هایی که در پی می آید تقسیم نمود:

1) ترکی: این زیرخانواده به چند شاخه تقسیم می شود

الف) Oghuz یا ترکی جنوب که زبان های ترکی (در ترکیه)، آذری و ترکمن (در ترکمنستان) را شامل می شود.

ب) Kipchak یا ترکی باختری که زبان های قزاقی (در قزاقستان) و قرقیزی (در قرقیزستان) و نیز زبان تاتار که شش میلیون نفر بطور پراکنده در ولگای مرکزی، صربستان، چین، و آسیای مرکزی بدان سخن می گویند را دربر می گیرد.

پ) Karluk یا ترکی خاوری، زبان های ازبک (در ازبکستان) و اویگور (در منطقه خودمختار زینجیانگ اویگور در چین) را شامل می شود.

ت) Eastern Hunnic یا ترکی شمالی که زبان هایی چون یاکوت و آلتای در سیبری را دربر می گیرد.

ث) Chuvash که زبانی مستقل است و در ولگای مرکزی بکار می رود.

۲) مغولی: این خانواده، زبان های Buryat در خاور سیبری، Kalmyk در کرانه ی دریای خزر در روسیه، و مغولی که مهمترین زبان این زیرخانواده و زبان رسمی مغولستان است را دربر می گیرد.

۳) تونگوزی: زبان مانچو که در این گروه قرار می گیرد، زمانی مهمترین زبان در این زیرخانواده بود و در چین از آن استفاده می شد. امروزه، مانچو تقریباً منسوخ شده است. از زبان های این زیرخانواده می توان به ونکی در بخش هایی از مغولستان و سیبری مرکزی، لاموت (اِون) و نانای در خاور سیبری، و اودهه در جنوب خاوری سیبری اشاره کرد. یک ویژگی زبان های آلتایک، ”هماهنگی واکه ای“ است. این ویژگی به هماهنگی واکه های ریشه و پسوند در واژه ها اشاره دارد. برای نمونه هموطنان ما در زبان آذری، به آفتاب می گویند /gun/. در زبان آذری ، /euS/ نقشِ پسوند ”ی“ در فارسی را بازی می کند. با این وجود واژه ی آفتابی در زبان آذری و در هنگام تلفظ، /guneuS/ تلفظ نمی شود. در اینجا واکه ی ریشه و واکه ی پسوند همگون شده و واژه ی /geuneuS/ را بدست می دهد. جنسیت در زبان های آلتای وجود ندارد (برخلاف انگلیسی که مثلاً برای او ، she و he وجود دارد). در زبان های آلتای، پسوندها یکی یکی به ریشه اضافه شده و واژه هایی نو پدید می آورند. برای نمونه، ”او“ در زبان آذری یعنی: خانه ، ”اوسیز“ یعنی: بی خانه ، ”اوسیزلر“ یعنی: بیخانه ها ، ”اوسیزلردن“ یعنی: از بیخانمانها، ”اوسیزلردن د“ یعنی: از بیخانمان ها هم، و... به اینگونه زبان ها، زبانهای همچسبشی یا التصاقی یا agglutinative گفته می شود.

زبان های اورالی



کسانی که در اصل به زبان اورالی آغازین سخن می گفتند، بین ۷ تا ۱۰ هزار سال پیش در کوه های اورال در کنار سیبری ساکن بودند. این افراد، ۱۵۰۰ سال پیش به سوی اروپا مهاجرت کردند. نخستین تیره زبانی که از زبان مادر جدا شده بود، زبان سمویدی بود. البته گسترش زبان های این خانواده پیش از مهاجرت آنها به اروپا آغاز شده بود. برای نمونه، زبانهای اوگری، حدود ۳۰۰۰ سال پیش، از زبان های فینی جدا شدند. زیرخانواده های زبان های اورالی را در پی مشاهده می کنید:

۱) سمویدی (Samoyedic)

<b/

: الف) سمویدی شمالی ، شامل ننتس (Nenets) که در واپسین منطقه از شمال خاوری از بخش اروپایی روسیه استفاده می شود، انتس (Enets) که مردم شمال سیبری آنرا بکار می برند، و ناگاسان (Nagasan) که آنهم در شمال سیبری و بویژه در منطقه ی Taymyr استفاده می شود.

: ب) سمویدی جنوبی ، شامل زبان Selkup است که ساکنان مناطق میان رودهای آب (Ob) و پنیسی (Yenisey) در سیبری بدان سخن می گویند. Selkup تنها زبان باقی مانده از شاخه ی سمویدی جنوبی است.

۲) اوگری (Ugric) شامل زبان مجاری (Hungarian) که زبان رسمی مجارستان است، و زبان های خانتی (یا Ostyak) و مانسی (یا Vogul) که در باختر سیبری، در کنار رود آب از آنها استفاده می شود. بر سر اینکه آیا این دو زبان اخیر را باید با زبان مجاری در یک گروه قرار داد یا نه، میان زبانشناسان اختلاف وجود دارد. به دو زبان یادشده، آب- اوگری هم می گویند.

۳) فینی (Finnic)

:الف) Permic شامل کومی (یا Zyrian)، کومی پرمیاک ، و اودمورت (یا Vodyak) که در خاور بخش های اروپایی روسیه استفاده می شوند.

:ب) ولگایی (Volgaic) شامل زبان های مردوین و ماری که از هر دو در پیرامون بخش های باختری و میانی رود ولگا استفاده می شود. زبان مردوین دو گویش متفاوت دارد: Erzya و Moksha .

:پ) Saami (این شاخه و زبان را با خانواده ی زبان های سامی اشتباه نگیرید). گروهی از مردم شمال اسکاندیناوی و شمال باختری روسیه به این زبان سخن می گویند.

:ت) بالتوفینی (Balto-Finnic) شامل زبان فنلاندی که در فنلاند از آن استفاده می شود و عده ی کمی در روسیه و استونی هم بدان سخن می گویند؛ و نیز زبان استونیایی که در استونی بکار می رود. زبان های دیگری نیز در این شاخه وجود دارند که افراد بسیار کمی بدانها سخن می گویند. از آنجمله می توان به Livonian اشاره کرد که عده کمی در لتونی بدان سخن می گویند (فراموش نکنید که زبان رسمی لتونی، لتونیایی است) و یا به زبان های Votic, Ingrian, Veps, Karelian که همگی در بخش هایی از شمال باختری روسیه استفاده می شوند. شاخه های دیگر از زیرخانواده ی فینی، از شاخه ی بالتوفینی جداشده اند. زبان های اورالی، پسوندهای بسیاری دارند. زبان فنلاندی ۱۴ حالت اسمی و مجاری ۱۷ حالت اسمی دارد. این تعداد در سامی ۶، و در خانتی تنها سه عدد است! فعل در زبان مردوین شکل های پیچیده ای دارد؛ این شکل ها با چهار زمان و هفت وجه، برای فاعل و مفعول فرق می کنند. در زبان های فنلاندی، استونیایی، مجاری، و کومی، فشار یا تکیه بر روی نخستین بخش «هجا» از واژه است. احتمالاً این ویژگی در زبان اورالی آغازین نیز وجود داشته. در زبان نگاناسان از زیرخانواده ی سموید، ویژگی تکیه گذاری بر پایه ی «پاره- هجا- شماری» وجود دارد. به اینگونه تکیه ها در انگلیسی، stress mora-counting می گویند. در زبان یادشده، در حالتی که هر واکه کوتاه، «یک واحد» و هر واکه ی بلند، «دو واحد» شمرده شود، تکیه ی واژه ها بر روی «واحد» سوم از آخر قرار می گیرد.

همخوانی واکه ای در زبان های اورالی نیز وجود دارد. برای نمونه، در زبان نروژی ، talo یعنی خانه و talosa یعنی درون خانه؛ در همین زبان، kynä یعنی خودکار، اما sa در هنگام افزوده شدن بر واژه ی خودکار و ساختن عبارت درون خانه، بشکل kynässä در می آید. یعنی هماهنگی واکه ای بوجود می آید. این ویژگی در زبان مجاری و دیگر زبانهای اورالی نیز به چشم می خورد. همچون بسیاری زبان

های دیگر، در زبان های این خانواده نیز همگون سازی یا ابدال (assimilation) دیده می شود. گفتیم که تالو در زبان نروژی یعنی خانه؛ اکنون می خواهیم hen را بدان بیافزاییم تا عبارت “درون خانه” بدست آید:

Talo + hen = taloon

اکنون می خواهیم بگوییم “درون خانه ها”:

Talo + i + hen = taloihin

زبان‌شناسان در گذشته، زبان های اورالی را با زبان های آلتای در یک گروه بسیار بزرگ قرار می دادند. امروزه زبان‌شناسان بر این باورند که مدارک زیادی مبنی بر هم‌ریشه بودن این دو خانواده وجود ندارد. زبان Yukaghir که تعداد کسانی که بدان سخن می گویند بسیار اندک است و در خاور سیبری زندگی می کنند، از نوعی تصویرنگاری مربوط به دوران پیش-الفبایی برای نوشتن استفاده می کنند. گروهی از زبان‌شناسان، این زبان را یک زیرخانواده ی مستقل می دانند. امروز بیش از ۲۰ میلیون نفر به زبان های اورالی سخن می گویند.

زبان های آفریقایی



گروه بزرگی از خانواده های زبان هایی که بومی آفریقا هستند و یا ریشه آفریقایی دارند. بیش از هزار زبان، در این گروه بزرگ جای می گیرند؛ البته، در این میان، تنها ۵۰ زبان وجود دارد که بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر بدان سخن می گویند و بقیه زبان ها، تنها در میان یک قبیله یا در یک منطقه کوچک رایج است.

بدون در نظر گرفتن زبان عربی، زبان های سوواحیلی (با پنجاه میلیون نفر) و هوسایی (با ۲۲ میلیون نفر)، رایج ترین زبان های آفریقایی به شمار می روند. ژورف گرینبرگ، زبان شناس آمریکایی، در سال ۱۹۶۳ برای اولین بار، دسته بندی جامعی از خانواده های زبان های آفریقایی ارائه داد:

(۱) خانواده زبان های نیجر-کنگو

این گروه، بزرگترین خانواده زبان های آفریقایی به شمار می رود. بیش از ۴۰۰ میلیون نفر در آفریقا به زبان های نیجر-کنگو سخن می گویند.

(۲) خانواده زبان های آفریقاسیایی

حدود ۲۰۰ میلیون نفر در شمال آفریقا، اتیوپی، اریتره و پیرامون دریاچه چاد، به این زبان سخن می گویند. این خانواده، به پنج زیرگروه زبان های «چادی»، «سامی»، «بربری»، «کوشی» و «مصری» تقسیم می شود.

۳؛ خانواده زبان های نیل و صحرائی

۱۸: تا ۳۰ میلیون نفری که به یکی از زبان های این خانواده سخن می گویند، در خاور صحرائی بزرگ
آفریقا، شمال دره نیل، و اطراف دریاچه ویکتوریا ساکن هستند.

۴؛ خانواده زبان های خویشان

:خانواده ی کویسان تنها ۱۲ زبان را در بر می گیرد، ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر بدانها سخن می گویند.

www.esalat.org